

## متحد پهلوی، منفور ایران انقلابی

۱۵ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۲۳

اگر ریشه بسیاری از بحران‌های منطقه را پیگیری کنید، یک سر آن به بحران تشکیل دولتی جعلی می‌رسد که به نام بنی اسرائیل اما به کام صهیونیست‌هایی تشکیل شده که نقشه تسلط بر اراضی نفتخیز خاورمیانه را در سر می‌پرورانند؛ از نیل تا فرات.

با نگاهی به همین پیشینه ایدئولوژیک می‌توان دریافت که چرا در جریان انقلاب ۵۷، بخش مهمی از چهره‌های انقلابی بویژه رهبر انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) مساله فلسطین را مساله اصلی جهان اسلام برشمرده و تلاش کردند انقلاب اسلامی در ایران را فراتر از مرزهای سیاسی، تحولی بنامند که فرجام یکی از مهم‌ترین مشکلات جهان اسلام در تاریخ معاصر را روشن خواهد کرد.

ماه‌عسل ۳۰ ساله پهلوی دوم و تل‌آویو

پیش از انقلاب اسلامی، رابطه رژیم پهلوی با رژیم صهیونیستی چنان صمیمانه بود که بخش مهمی از صادرات کالاهای رژیم تازه‌تاسیس صهیونیست‌ها مربوط به تجارت با ایران بود. همکاری مشترک تل‌آویو و تهران در برخی کشورهای منطقه و ارسال دست و دلبازانه نفت ایران به اراضی اشغالی باعث شده بود تا صهیونیست‌هایی که از نظر تاریخی قوم یهود را وامدار کورش، پادشاه ایرانی می‌دانند، قدردان دولتی شوند که به نام کورش تلاش می‌کرد تا پیشرفت‌های دوره هخامنشیان را دست‌کم در سطح تبلیغات و شعارهای ناسیونالیستی، تکرار کند؛ پیشرفت‌هایی که البته هیچ‌گاه در عرصه عمل تحقق نیافت.

ایران دوره پهلوی که فقط یک سال پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی آن را به رسمیت شناخته بود، در دوره جنگ اعراب و اسرائیل، یکی از جدی‌ترین حامیان تل‌آویو به‌شمار می‌آمد و توانست با تولید روزافزون نفت، محاصره اقتصادی تل‌آویو و حامیانش را بشکند.

تعطیلی کنسولگری در دوره مصدق

با وجود روابط نزدیک محمدرضا پهلوی و رژیم صهیونیستی، در برخی دوره‌ها همچون سال ۱۳۳۰ روابط میان تهران و تل‌آویو دستخوش تلاطم شد. گفته می‌شود همزمان با جنبش ملی شدن صنعت نفت و تشکیل کابینه دکتر محمد مصدق، کشورهای عربی اعلام کردند در صورت بازپس‌گیری به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی دولت ایران، آنها نیز در جریان اختلافات ایران و

انگلیس بر سر مساله نفت، از موضع ایران حمایت خواهند کرد. در همین زمان بود که آیت‌الله کاشانی در مصاحبه‌ای با روزنامه المصری بغداد گفت که فسخ به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی ایران حتمی است. در پی این سخنان، باقر کاظمی، وزیر امور خارجه کابینه مصدق، شانزدهم تیر ۱۳۳۰ در مجلس حاضر شد و تصمیم دولت مبنی بر تعطیل کنسولگری ایران در بیت‌المقدس را به اطلاع نمایندگان رساند. البته دولت در اعلامیه رسمی که در روز بعد انعکاس داد علت این اقدام را کاهش درآمدها بر اثر قطع صادرات نفت و الزام دولت به صرفه‌جویی‌های ارزی عنوان کرد. بنابراین کابینه مصدق تنها به فراخوانی کادر سیاسی اقدام کرد و نه فسخ شناسایی دوفاکتوی اسرائیل. اما باوجود این مسائل، باقر کاظمی تلاش‌هایی را برای تعطیلی فعالیت آژانس یهود در ایران انجام داد. همچنین سال ۱۹۷۵ میلادی، امضای ایران پای قطعنامه ۳۳۷۹ سازمان ملل که صهیونیسم را مساوی نژادپرستی می‌دانست، یکی دیگر از مقاطع جالب توجه روابط صهیونیست‌ها و پهلوی دوم بود. با وجود این دو اتفاق در راهبرد منطقه‌ای ایران در دوره پهلوی، در کل روابط ایران و تل‌آویو پیش از انقلاب چنان مثبت بود که گفته می‌شود شیمون پرز، رئیس‌جمهور وقت رژیم صهیونیستی به محمدرضا پهلوی پیشنهاد داد به سلاح هسته‌ای دست یابد و در این رابطه کمک‌هایی نیز به ایران کرد.

متحدی که «غده سرطانی» شد

با این حال انقلاب اسلامی پایانی بر ماه‌عسل روابطی بود که تهران و تل‌آویو از ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۷ برقرار کرده بودند. نارضایتی عمومی مردم از سکوت یا حمایت محمدرضا پهلوی از ظلمی که صهیونیست‌ها به فلسطینی‌ها می‌کردند و نیز برجسته‌شدن انتقاد علمای دینی از آنچه بر سر فلسطین آمد، باعث شد تا نظام برخاسته از انقلاب اسلامی نه فقط روابط خود با یکی از متحدان دیرینه ایران یعنی اسرائیل را قطع کند، بلکه به حمایت از جنبش‌هایی روی آورد که از آزادی فلسطین دفاع می‌کردند. امام خمینی(ره) در یکی از بیانات خود در این رابطه تصریح کردند: «امروز قبله اول مسلمین به دست اسرائیل این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می‌کوبد و به خاک و خون می‌کشد. امروز اسرائیل با تمام وسایل شیطانی، تفرقه‌افکنی می‌کند. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند.»



در چنین شرایطی، صهیونیست‌هایی که در ذهن خود رویای احداث خط لوله ارسال مستقیم نفت ایران به اراضی اشغالی را می‌پروراندند، ناگهان خود را با نظامی روبه‌رو دیدند که از آزادی قدس به‌عنوان یک آرمان انقلابی دفاع می‌کرد. این رویکرد انقلابی باعث شد تل‌آویو خود را در خاورمیانه منزوی‌تر از هر زمان دیگر بیابد. بنابراین بدیهی بود. این رژیم تلاش کرد با کمک برخی اعراب مدافع مصالحه، اندک‌اندک دکترین دفاعی خود را به نزدیکی با اعراب و فاصله گرفتن از تهران معطوف کند، همان رویکردی که امروز در برخی موضوعات، رژیم صهیونیستی را کنار اعراب و مقابل ایران قرار داده است. هرچند در مقاطع مختلفی امام راحل به سران کشورهای اسلامی هشدار دادند: «همه باید بدانند که هدف دولت‌های بزرگ از ایجاد اسرائیل تنها با اشغال فلسطین پایان نمی‌پذیرد، آنها در این نقشه‌اند که (پناه بر خدا) تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند...»، اما این هشدارهای صادقانه باعث نشد برخی رهبران عرب، در دام صهیونیست‌ها نیفتاده و نقش سپر دفاعی را برای رژیم اشغالگر قدس ایفا نکنند.

صهیونیست‌ها علیه ایران؛ از جنگ روانی تا ترور

اکنون پرونده هسته‌ای ایران و دفاع کشورمان از جنبش‌های مقاومت حامی آزادی فلسطین از مهم‌ترین چالش‌های عملی میان تهران و تل‌آویو محسوب می‌شود، اما مهم‌تر از این دو، مشکل صهیونیست‌ها با ایران انقلابی، به رسمیت شناخته‌نشدن اسرائیل از سوی کشورمان است؛ همان موضوعی که سال‌هاست تل‌آویو را تحقیر کرده و بر خصومت این رژیم علیه کشورمان افزوده است. با این‌که از زمان پیروزی انقلاب تاکنون، ایران و اسرائیل هیچ‌گاه از نظر نظامی با یکدیگر مستقیم درگیر نشده‌اند، اما ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، جنگ سایبری، حمایت تهران از نیروهای مقاومت در منطقه و تلاش برای تسلیح کرانه باختری، در کنار

موضوعاتی مانند پرونده هسته‌ای و نیز تحرکات جاسوسی تل‌آویو در خاک کشورمان، همه و همه نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها در نبردی غیرمستقیم با ایران گرفتار آمده‌اند؛ نبردی که البته خود با رویکرد اشغال‌گرایانه، آغازکننده آن بوده و حتی چنان که در جریان شهادت الله‌دادی رخ داد، به حمله مستقیم به سرداران ایرانی دست زده و برای اولین بار به‌طور مستقیم یک فرمانده ایرانی را در عملیاتی علنی به شهادت رسانده‌اند.

انزوای تل‌آویو، نتیجه نژادپرستی

اوضاع سیاسی امروز اسرائیل نشان می‌دهد که این کشور در چهار دهه گذشته از پیروزی انقلاب تا چه اندازه منزوی شده است. رابطه سرد با اعراب، تنفر عمومی افکار عمومی جهان اسلام از تل‌آویو، افول موقعیت صهیونیست‌ها در اروپا و سردی مناسبات تل‌آویو و واشنگتن به دلیل مواضع افراطی نتانیا‌هو، همه و همه نشان می‌دهد نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان نه تنها کاهش یافته بلکه آرایی که کشورها در حمایت از فلسطین مستقل در شورای امنیت دادند و انتقاداتی که رسانه‌های بین‌المللی از نژادپرستی صهیونیست‌ها می‌کنند، حکایت از اوج استیصال رژیمی دارد که نطفه‌اش در تجاوزگری بسته شده است. هرچند در چنین وضعی، سردمداران صهیونیسم تلاش می‌کنند با دمیدن بر آتش ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی، از نمد تندروی در خاورمیانه برای خود کلاهی بیافند و درحالی که خود، متهم به نسل‌کشی در غزه هستند، بی‌شرمانه تهران را متهم به «تکرار هولوکاست» کنند، ولی امروز کمتر کسی دیگر ادعاهای این طیف از تندروهای صهیونیست را باور می‌کند و هشدارهای تبلیغاتی تل‌آویو درباره برنامه هسته‌ای کشورمان حتی در داخل اراضی اشغالی نیز خریداری نداشته و قدرت گرفتن بیش از پیش نیروی مقاومت حزب‌الله و توانمندتر شدن حماس، امید به آزادی قدس را بیشتر کرده و امروز دیگر هیچ تجاوزی از سوی صهیونیست‌ها نیست که از طرف نیروی مقاومت بی‌پاسخ بماند.

تضعیف صهیونیسم، تحقق یکی از آرمان‌های انقلاب

این وضع، یعنی آن که یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران یعنی مبارزه بی‌امان با رژیم صهیونیستی در چارچوب نظریه کلی «صدور انقلاب» محقق شده است؛ همان پروژه‌ای که با پیروزی انقلاب کلید خورد و امروز موفقیت‌های نیروهای مقاومت در مرز با اراضی اشغالی نشان می‌دهد به فرجام نهایی خود نزدیک شده است.

بر همین اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر احمد جبرئیل، دبیرکل جبهه مردمی برای آزادی فلسطین، مساله فلسطین را در رأس مسائل دنیای اسلام خواندند و تأکید کردند: «جمهوری اسلامی ایران تا روزی که آرمان فلسطین به ثمر برسد، مصمم خواهد ایستاد و آن روز را جوانان قطعاً خواهند دید.»

منبع: جام جم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/29490/انقلابي-ايران-منفور-پهلوي-متحد/>